

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم چهارم‌حال و بختیاری

عباس قنبری عدیوی*

(تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۲)

چکیده

اسم و نام پدیده مهم فرهنگی و اجتماعی است که پیش از تولد تا پس از مرگ با انسان همراه است. این عنصر در باورهای دینی، ملی، ادبی، فکری و تاریخی افراد جامعه ریشه دارد. مردم به نام نیک خود مباحثات می‌کنند و برای فرزندانشان نام مناسب برمی‌گزینند. یکی از الگوهای پرطرفدار و پرسامد ایرانیان از گذشته‌های دور تا به امروز، استفاده از نام‌های مقدس مذهبی بوده است؛ نام‌هایی که به صورت ساده، مرکب و مشتق، ساخته می‌شوند. این واژه‌ها که برگرفته از اسماء الهی، نام‌های پیامبر (ص) و ائمه اطهار هستند، به صورت جدا یا ترکیبی در نام‌های افراد، مکان‌ها، طوایف، ایلات و ... کاربرد فراوانی دارند. مردم شیعه مذهب چهارم‌حال و بختیاری، این نام‌های مقدس را با پیوندهای مختلفی برای خویش برمی‌گزینند. در نوشتار حاضر، ده‌ها ترکیب یک تا سه جزئی فارسی (شامل فارسی و گویش بختیاری)، عربی و ترکی ساخته‌شده و رایج بین مردم به روش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری، گروه‌بندی و ارائه شده است. در پایان نیز سعی شده است با استفاده از آمار و ارقام رسمی، مقایسه مختصری در این کاربرد ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: نام، مذهب، تشیع، نام‌گذاری، چهارم‌حال و بختیاری.

۱. مقدمه

آفریده‌های پروردگار از جمله انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و اشیاء هر یک نامی دارند؛ این مفهوم به صورت حقیقی یا مجازی جایگاه مهمی در جامعه دارد. نام اشخاص برگرفته از تاریخ، فرهنگ، مذهب، اجتماع و هنر و ادبیات خانواده‌هاست. گزینش نام نیکو یکی از وظایف پدر و مادر در برابر فرزندان است. عناصر زیست-محیطی، فرهنگی، دینی، باورهای عامه، اعتقادات بومی و محلی، دانایی و اطلاعات علمی و ادبی در انتخاب نام تأثیر بسزایی دارند. بر اساس زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی در جامعه‌های شهری، روستایی و عشایری شیوه گزینش نام‌ها متفاوت است. در محیط‌های روستایی و عشایری بهره‌گیری از عناصر طبیعی و محیطی در به‌کارگیری نام‌ها- حتی نام‌هایی که امروزه اشخاص رغبتی به انتخاب آن‌ها ندارند- بسیار تأثیرگذار است.

در این نوشتار با در نظر گرفتن رویکردهای علمی، ادبی و مردم‌شناسی، به تفکیک به بررسی مسائل مرتبط با حوزه نام و نام‌گذاری در فرهنگ ایرانی و به‌ویژه فرهنگ چهارمحال و بختیاری می‌پردازیم. پرداختن به مبحث کلی نام و نام‌شناسی کاری بس ضروری و گسترده است. بی‌شک نمی‌توان این موضوع مهم را در یک مقاله بررسی کرد؛ با این همه یکی از اجزاء اصلی و پُربسامد نام‌گذاری در چهارمحال و بختیاری را بررسی می‌کنیم. بررسی و تحلیل‌های این مقاله براساس ۲۴۵۷ کارنامه تحصیلی (دیپلم) دانش‌آموختگان استان چهارمحال و بختیاری است که نمونه‌های آماری متولدان سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۰ را دربرمی‌گیرند. البته بیشتر افراد بر اساس نام، نام پدر و نام خانوادگی، محل تولد و نام مدارس در سال ۱۳۸۱ بررسی شده‌اند. همچنین از لیست دفترچه تلفن شهری شهرکرد، دفتر حضور و غیاب دانش‌آموزی و دانشجویی مراکز آموزشی نیز در این تحقیق استفاده شده است. در این پژوهش دو دسته کلی نام‌ها شامل نام‌های ملی- ایرانی و مذهبی (دینی) بررسی و تحلیل شده‌اند. شیوه انتخاب، شاخص‌ها، عناصر زبانی، دستوری، مردم‌شناسی و ساختاری نام‌ها مورد توجه محقق بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در حوزه نام و نام‌شناسی در ایران انجام شده است؛ اما آن دسته از تحقیقاتی که به شکل اختصاصی به حوزه نام‌گذاری در استان چهارمحال و بختیاری مربوط باشد، بسیار اندک است. به برخی از این آثار اشاره می‌کنیم:

۱. مقاله «علی^(ع) در نام‌گذاری مردم چهارمحال و بختیاری»، همایش «فرهنگ نام و نام‌گزینی» (۱۳۹۰)، نگارنده؛
۲. مقاله «علی در نام‌گذاری عهد صفوی»، مجله فرهنگ (ش ۳۳-۳۶، صص ۳۰۹-۳۲۰)، محمدتقی آذرمینا؛
۳. مقاله «گستره نام و نام‌گذاری»، کیهان فرهنگی (ش ۱۶۵، صص ۵۸-۶۰)، سعیدرضا بیات؛
۴. مقاله «نام‌گذاری دختران با الهام از نام‌های نمونه»، مجله مبلغان (مرداد ۱۳۸۳، ش ۵۶، صص ۴۹-۵۱)، عبدالرحیم موگهی.

۳. «نام» در فرهنگ لغت و ادبیات عامیانه

۳-۱. نام در فرهنگ لغت

در دستور زبان فارسی بر مبنای نوشتار محققان پیشین و معاصر، برای این واژه تعریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است. به نظر دستورنویسان سنتی، نام (اسم) یکی از هفت‌گونه کلمه (فعل، اسم، صفت، ضمیر، قید، حرف و شبه‌جمله) است که به بخش‌های جزئی‌تری چون عام، خاص، ساده، جامد، مشتق، ابزار(آلت)، مفرد، مرکب، جمع، اسم جمع، ذات، معنی و مصغر تفکیک می‌شود (خانلری، ۱۳۷۳: ۴۵، ۵۱؛ خیام‌پور، ۱۳۷۳: ۳۱، ۳۶؛ پنج‌استاد، ۱۳۷۳: ۳۵، ۵۶). ترکیب‌های مرکب، مشتق و مشتق-مرکب زیر را از این واژه می‌توان ساخت: نام‌دار، نامزد، بنام (مشهور)، نکونام، بدنام، به‌نام، دشنام، هم‌نام، نیک‌نام، خوش‌نام، بی‌نام، نام‌آور، نام‌بردار، نام‌جو، نام و نان، نام و ننگ. هم‌چنین

کنایه‌هایی در ادب فارسی در این زمینه وجود دارد که کاربردها و کارکردهای متفاوتی دارند، برخی از این ترکیب‌های کنایی در ادامه مقاله آمده است.

آیین‌های نام‌گذاری بین اقوام و ملت‌ها متفاوت است. زمان (روز، ماه و فصل)، رنگ‌ها، برخی عناصر طبیعی چون کوه، جنگل، درخت، آب، جانوران و ... در نام‌گذاری مؤثر است. برای نمونه بخش دوم کلمه‌های «تھماسب، ارجاب و لهراسب» اسپ یا اسب است. برخی نام‌ها نیز از گرگ و شیر که نماد زورمندی و شجاعت‌اند، ساخته می‌شوند. نام‌ها معانی و مفاهیم درونی خاصی دارند که بیشتر فراموش می‌شوند، برای مثال بُرزو (بلندقامت)، آرش (تیرانداز، کمان‌گیر)، سهراب (سرخ‌چهره).

مذهب و باورهای دینی (مکتبی)، کتاب‌های آسمانی و توحیدی نیز در نام‌گذاری ایرانیان مؤثر است. پنا به آموزه‌های دینی و عقیدتی ما، یکی از وظایف پدران و مادران نسبت به فرزندان، گزینش نام خوب است؛ زیرا انسان پیش از تولد تا پس از مرگ با نام خود شناخته می‌شود. دغدغه اصلی خانواده‌ها پس از تولد فرزند، نام‌گزینی است و آداب و رسوم خاص آن در فرهنگ عامه ایرانیان، بیانگر این اهمیت است. اختلاف افراد در انتخاب نام گاهی سبب می‌شود که فرد دو نام داشته باشد. تلاش برای تغییر نام و یا حساسیت بر نام‌های فارسی، عربی، روستایی، منحصر (کم‌بسامد)، تاریخی، ایرانی و ... بیانگر این اهمیت است. نام‌های تکراری، مشترک و نامأنوس یا زشت، مشکل بزرگی برای افراد است که گاهی در مدرسه، دانشگاه، محیط کار و ... موجب تمسخر یا رنجش اشخاص می‌شود. لذا لازم است پدران و مادران در انتخاب نام نیک و تربیت درست، برای نام‌آوردن فرد دقت کنند.

در مثل‌های فارسی نیز جایگاه «نام» و اهمیت آن کاربرد دارد. نام آباد و شهر ویران! (نام آباد و شهر ویران است) (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۷۵۴)؛ نامش کلان و دهش ویران؛ هر که در زندگی نانش نخورند، چون بمیرد نامش نبرند؛ نام نیکو گر تو خواهی، نان بده؛ مرد را نام نیکو به ز هزاران پسر است؛ وفات در نیک‌نامی بهتر که حیات در بدنامی.

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم... _____ عباس قنبری عدیوی

درمثل‌های قوم بختیاری نیز به اهمیت نام اشاره شده است: نام بلند گلگه خَراو (نام بلند، خانه خراب)؛ به اسم حَسَنی، به کُمِ حسینی! (به اسم حسنی و به کام حسینی!)؛ نُمِش آ مَنه، کُمِش آ تَنه (نامش از من، کامش از توست) (قنبری عدیوی، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۸۹، ۶۴۴-۶۴۵).

۲-۳. نام‌گذاری در فرهنگ مردم

در گذشته ششمین شب تولد نوزاد، با آیینی خاص در حضور بزرگان برای کودک نام انتخاب می‌کردند (انقطاع، ۱۳۹۱: ۱۰۰) و در حاشیه صفحه‌های نخستین یا پایانی قرآن زمان تولد و نام او را ثبت می‌کردند. اگر رویداد یا مسئله مهمی چون عروسی، مرگ یا سفر کسی، یا حادثه‌ای چون زلزله، برف سرخ، خشک‌سالی، جنگ، هجوم ملخ‌ها به مزارع، سیل و ... در آن زمان رخ می‌داد، آن را در یادداشت تولد نوزاد در حاشیه قرآن و یا هامش کتاب‌های ادبی و مذهبی ذکر می‌کردند. این تاریخ‌نویسی با نام و نام‌شناسی رابطه دارد.

گاهی کودکان بنا به عللی دواسمی‌اند؛ پدر و مادر در انتخاب نام، گاه توافق ندارند و نام مستعمل با نام شناسنامه‌ای کودک تفاوت دارد یا پدر و مادر نمی‌خواهند به انتخاب نام کودک از سوی بزرگ‌ترها (پدر بزرگ و مادر بزرگ، عمو و دایی یا عمه و خاله) بی‌احترامی کنند. در چنین مواردی بیشتر به سبب ارادت‌های دینی یا وابستگی‌های قومی و سنتی، یکی از نام‌ها مذهبی، تاریخی، خانوادگی (نام جد یا جده) است. در فرهنگ مردم، مادران از آغاز زندگی، نام خدا، قرآن و نام‌های باشکوه اهل بیت را در گوش فرزندان‌شان نجوا می‌کنند. در لالایی‌ها، افتادن و برخاستن‌ها، برداشتن بار یا کالای وزین و سنگین، گشتی گرفتن و وزنه‌برداری، شکار و تیراندازی و ... ، این شیوه آموزش غیرمستقیم سبب می‌شود که کودک با شنیدن این نام‌ها توان و اراده قوی‌تری در خود احساس کند. همین مسئله در پاس‌داشت و بزرگ‌داشت دین مبین اسلام، فرهنگ تشیع، نام مولا علی^(ع)، حماسه حسینی، حضور امام رضا^(ع) در ایران و ظهور امام عصر^(عج)

نیز نمایان است و نام‌گذاری سایر ائمه هم از این فرهنگ غنی سرچشمه می‌گیرد. تکرار نام‌های مذهبی الله، محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، رضا، مهدی و ... در کار و تلاش، عیادت از بیماران، عروسی و عزاداری و گفتن اذان و ... بر زندگی روزمره مردم تأثیر فراوانی گذاشته است.

۳-۳. شیوه‌های نام‌گذاری در بختیاری

شیوه‌های نام‌گزینی در فرهنگ عامه مناطق ایران، بر مبنای سلیقه، دانش، وابستگی‌های قومی و تاریخی و باورهای مردمی و مذهبی است. تاریخ‌شناسنامه (سجل) در کشور ما به سده اخیر برمی‌گردد؛ ولی نام‌های بازمانده در اسناد نوشتاری یا گفتاری نشان می‌دهد که ایرانیان روش خاص خود را برای نام‌گذاری دارند. بر اساس تحقیقات میدانی و بررسی نام‌های عمومی نواحی بختیاری‌نشین، در دو دهه اخیر در نواحی روستایی و عشایری استان چهارمحال و بختیاری، روش‌های زیر را برای الگوهای رایج نام‌گذاری و نام‌شناسی می‌توان ذکر کرد:

۱. مشکلات اقتصادی، سختی کار کوچ و تنهایی پدران از علل پسرخواهی عشایر و روستاییان بوده و هست. همین مسئله در پیدایش نام‌های دختربس (ڈربس)، نخواسته، نمنده (نمانده)، گل‌بس، ماه‌بس، همین‌بس (همی‌بس)، گلی‌بس، طلا‌بس، خدابس مؤثر است. درآمد اندک، نقدینگی پایین و رنج بسیار در برابر پاداش کم در زندگی طاقت‌فرسای روستایی و عشایری موجب نام‌گذاری دختران به ماه‌طلا، بی‌بی‌طلا، زری، گوهر، جواهر، مخمل، گل‌طلا، تاجی، تاج‌ماه، هشت‌طلا، زری‌طلا، زمرد و مروارید شده است (ضمن اینکه پاسخی است به دخترستیزی روستاییان و عشایر).

۲. گاه کودک در ناحیه جغرافیایی خاص، شرایط طبیعی و یا رخداد‌های مختلف به دنیا آمده است که وجه‌تسمیه او از این سبب است: بلوطی (کسی که در کوچ و کنار بلوط به دنیا آمده است)، بارانی، برفی (فرزندی که در هنگام بارش نزولات آسمانی متولد شده است)، بردی (پسری که در کنار سنگ بزرگ به دنیا آمده است)، علفی (در

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم... عباس قنبری عدیوی

چمنزار و علف به دنیا آمده است)، بنواری (متولدشده در منطقه بُنوار)، شیمباری (متولدشده در منطقه شیمبار یا شیرین‌بهار)، تارازی (متولدشده در ایل‌راه و گردنه تاراز در زردکوه بختیاری)، چَلوی (متولدشده در ناحیه چلو در مسیر کوچ)، کوهزاد (کُهزاد)، خیاری، شامسیر (منسوب به منطقه شاه منصور)، گَلالی (گلال: دره)، بازفتی (متولدشده در بازفت)، هِشته (کودکی که پس از تولدش مادر بمیرد). البته تمام اسم‌ها از این قاعده پیروی نمی‌کنند.

۳. نام‌گذاری کودک برای زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره پیشینیان، درگذشتگان و یا جوانان ناکامی که نمی‌خواهند فراموش شوند. برخی نام اجداد (پدري یا مادري)، نامداران ایل و طایفه، شهدای فامیل و ... را روی کودک خود می‌گذارند.

۴. ویژگی‌های جسمی کودک هنگام تولد یکی از عوامل نام‌گذاری است. اگر نوزاد درشت و تنومند باشد، از نام‌هایی چون: هیکل، بزرگ، رستم، قدشاه، و اگر خرد و نحیف باشد از نام‌هایی چون کوچک، کوچک‌علی، رُنْجُکی (تیغ بافندگی، نماد کوچکی)، ریزعلی، کوتا (کوتاه)، گِرِدِل (ریز)، خیردل، بی‌بی کوچک (کُچیر) استفاده می‌کردند. اگر کودک سفید بود از اسم‌هایی چون روشن، برفی، برف‌علی، پنیر (دختر) و اگر سیاه یا سبزینه بود از نام‌هایی چون سیامک، شَهه، و اگر سرخ‌چهره بود از نام‌هایی چون سُرول (سرخگون) استفاده می‌شد. از این روش در *شاهنامه* فردوسی برای نام‌گذاری سهراب استفاده شده است.

۵. گاهی کودکان خانواده‌ای بر اثر مرگ‌ومیر پیاپی از دست می‌رفتند. بنا به باور مردم، نوزاد را در ترازو (قَیان) می‌گذاشتند و برابر او نمک یا چیز دیگری نذر می‌کردند؛ نام کودک را ترازوی (ترازو)، قیان، قیانی (قیونی)، نمکی، نیاز، نیازعلی، حاجت، حاجتی، حاجت‌مراد، مراد، مرادعلی، نگهدار، خداییل (خدانگهدار) و ... می‌گذاشتند.

۶. زمان و ایام در تسمیه افراد مؤثر است، نام‌هایی چون جمعه، جمعه‌علی، پنجشنبه، شنبیدی (شنبه)، رمضان، شعبان، قربان، نوروز، عیدی، روزه، شب چراغ، شوی (آنکه در شب متولد شده)، شومّه (ماهتاب، البته منسوب به زیبایی ماهتاب نیز است).

۷. نام‌های تاریخی، حماسی (شاهنامه‌ای)، اسطوره‌ای، مذهبی، ادبی و ... از گروه دیگر روش‌های نام‌گذاری بختیاری‌هاست، نام‌هایی همچون رستم، سهراب، اسفندیار، افراسیاب، سام، زال، گودرز، کیومرذ، لهراسب، کیماس، مرداس، تهماس، سعدی، حافظ، فایز، شهرزاد، حیدربک، صمنبر (صمنبر)، فلکاناز، سروگل (یادآور قصه‌های عامیانه حیدربک و صمنبر، فلکاناز، خورشیدآفرین و سرو و گل)، تهمینه، رودابه، قیدافه، منیژه، کتایون (نام‌های مذهبی در متن مقاله ذکر می‌شود).

۸. برای نام‌های دختران، معیار زیبایی با عناصر زبانی تحیب و شباهت و نسبت همراه می‌شود: نام‌های زیر از این دسته‌اند: گل‌عذار (گل‌هزار)، سیم‌عذار (سیمزار)، بی‌بی لال (لاله)، نباتی، سوگلی.

۹. در نام دختران همیشه عنصر زیادی دختر یا پسرخواهی وجود ندارد. نام‌های بابیهت و بامسمای قدم‌خیر، شاه‌بانو، ماه‌بانو، شاه‌صنم، عظیمه، فلکاناز، ایران، کشور، حوا، ستاره، ماه‌پاره، حُسنی‌جان، شاهی‌جان، ماهی‌جان، شیرین‌جان، ملوس، عروس، خورشید، گل‌بهار، منظر، پری‌زاد، نیست‌در، جهان، قمر، عجب‌ناز از این گروه محسوب می‌شوند.

۱۰. برخی نام‌ها براساس عنصرهای بومی و بدون معنای مشخص و یا حتی توجیه منطقی هستند. این قبیل اسم‌ها در حال فراموشی‌اند و فقط در افراد بالای ۶۰-۷۰ ساله مشاهده می‌شود؛ مواردی چون نانه، دُنْگلی، گَشول، جرجر، شَشی، چوچول، ملو، منگل، شوگُل (نام دختر)، دیندامال (بازمانده).

۱۱. نام‌های معناداری نیز وجود دارد که از نگاه مردم امروز پسندیده نیستند؛ ولی در روزگار خود طرف‌داران بسیاری داشت: سوخته‌زار، هندزار (خندان)، غیضان، خیرگرد، مال‌گرد، جنگی، کموتر (کبوتر)، شب‌چراغ، خواجه، ساتیار، زمان، هِشته (از هشتن: نهادن و ماندن)، کوگی.

۱۲. برای مردان و زنان، نمونه‌ها وژگان محلی و عناصر بومی که امروز هم بین نسل جوان و دوست‌داران اسم‌های ایرانی و کمیاب، طرف‌داران خوبی دارد: خیفه (خوب)، تیام (چشم‌هایم)، مِرکام (آرنجم)، سوتیام (نورچشم‌هایم)، دِلبر (دلی)، نُرقه (نقره)، قشنگ، اورشُم (ابریشم)، زله (نام ستاره شباهنگ)، گلِ سهر (گل سرخ)، مَرغه (مرغزار)، فروتن، مسی (مسیح)، بختیار، نامدار، اقبال، نَفَس.

۱۳. در زندگی سخت و به‌دور از امکانات پزشکی زنده‌ماندن کودکان دشوار بود. نام‌هایی چون ماندنی (مَدنی)، یادگار، ماندگار، خدامنده، خداخواست، حاجت‌مراد، نیاز، رحم‌خدا، راه‌خدا، راه‌علی، علی‌پناه، نشانی از آن دوران و سختی‌هاست.

۴. کارکرد و کاربردهای نام‌های مذهبی در چهارمحال و بختیاری

در گستره جغرافیایی چهارمحال و بختیاری و جامعه آماری پژوهش حاضر، بیشتر نام‌های مذهبی برای مواردی از جمله نامیدن افراد (نام کوچک)، نام خانوادگی (فامیل یا شهرت) و نام‌گذاری‌های نوین به‌کار می‌رود:

۴-۱. دسته‌بندی نام‌های مذهبی در کاربرد نام افراد

مردم چهارمحال و بختیاری، در کاربرد نام‌های مذهبی برای افراد و یا خانواده‌ها، در گروه‌های زیر از نام‌های دینی بهره برده‌اند. در ذیل به بررسی این نام‌ها و نمونه‌های به‌کار رفته در نواحی مختلف روستایی و عشایری استان (شهرستان‌های نه‌گانه شهرکرد، کوهرنگ، لردگان، فارسان، اردل، کیار، بن، سامان و بروجن) خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱. کاربرد نام مبارک «الله» در نام‌گذاری‌ها

نام مقدس «الله» در اجزاء نام‌های مختلف مردم ایران و به‌طور اختصاصی در چهارمحال و بختیاری، تجلی یافته است. این نام به صورت جزء اصلی یا پیوسته در نام‌های دوبخشی به‌کار می‌رود (ر.ک: جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱

| | |
|---|------------------------|
| <p>بیت الله، شمع الله، هیبت الله، نعمت الله، سیف الله، رحمت الله، وجیه الله، حکمت الله، سعادت الله، نجیب الله، حبیب الله، فتح الله، نظام الله، فضل الله، گرگ الله، فرج الله، امین الله، حفیظ الله، روح الله، حمد الله، ید الله، آیت الله، بخش الله، شکر الله، نصر الله، نصرت الله، ولی الله، ذبیح الله، قدرت الله، خیر الله، امان الله، اسد الله، نور الله، عوض الله، لطف الله، امر الله، عطاء الله، عزیز الله، هدایت الله، نبی الله، عین الله، نصیب الله، کرامت الله، کرم الله، رضایت الله، عبد الله، فیض الله، عزت الله، عنایت الله، حجت الله، فرود الله، حشمت الله، ماشاء الله، حزب الله، حرمت الله، همت الله، وسعت الله، الله کرم، الله داد، الله رحیم، الله خواست، الله رحم، الله بخش، الله دار، الله نظر، الله رضا، الله یار، الله مراد، الله قلی، الله وردی، الله مدد.</p> | <p>واژه الله + نام</p> |
|---|------------------------|

البته برخی نام‌های مذهبی برگرفته از صفات ایزدی در نام‌گذاری مردم وجود دارد که به صورت‌های تک‌جزئی یا دوجزئی زیر نمایان است:

جواد، رحمان، عبدالرحمان، رحیم، عبدالرحیم، فاضل، اکبر، هادی، کرم، لطیف، عبداللطیف، سبحان، کریم، عبدالکریم (با افزودن عبد)، رحیم، عبدالرحیم، مجید، عبدالمجید، وهاب، عبدالوهاب، جبار، عبدالجبار، خالق، عبدالخالق، صمد، عبدالصمد، حمید، عبدالحمید، امیر، عبدالامیر.

پیش‌نام «عبد» را با برخی اسم‌های دیگر هم می‌آورند: عبدالرضا، عبدالعلی، عبده، عبدالله و ...

گاه نام فارسی (پهلوی) «خدا» به جای «الله» در نام‌های مردم استان استفاده می‌شود: خدا رحم، خداخواست، خداداد، خدایار، خدارحیم، خدامراد، خدابخش، خداکرم، رحم‌خدا، دادخدا، راه‌خدا، شکرخدا، یارخدا.

نام‌های «یزدان» و «ایزد» نیز در سازمان نام‌سازی مردم استان، به کار می‌رود: یزدان، یزدان‌بخش، ایزدخواست، یزدان‌پناه، یزدان‌خواه، یزدان‌پرست (دو نام اخیر در نام خانوادگی هم استفاده می‌شود).

۲-۱-۴. کاربرد واژه «دین» و «اسلام» در نام افراد

واژه عام «دین» به صورت معرفه «الدین» (دین مبین اسلام) بیشتر جزء دوم نام‌های مرکب قرار می‌گیرد: فخرالدین، مرادالدین، نجم‌الدین، نظام‌الدین، جمال‌الدین، کمال‌الدین، نورالدین، قوام‌الدین، شجاع‌الدین، صبرالدین، جلال‌الدین، شمس‌الدین. نام «اسلام» نیز به صورت اختصاصی برای پسران استفاده می‌شود.

۳-۱-۴. کاربرد نام‌های معصومان در نام‌گذاری‌ها

جایگاه رفیع معنوی، دینی و ادبی معصومان عالی‌مقام و اهل بیت نبوی و خاندان امیر مؤمنان^(ع) در قالب کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی بیان شده است؛ در قرآن، حدیث و ادبیات فارسی، نمونه‌های بسیاری وجود دارد که پرداختن به آن در فرصت اندک این نوشتار میسر نیست (ر.ک: قنبری عدیوی، ۱۳۸۲: ۲۸۶). تشیع با نام والا و ماندگار مولا علی^(ع) و فرزندان ارجمند ایشان جاویدان است. بسیاری از کسان هستند که در طول عمرشان به نام زیبای خود فخر می‌کنند. مردم ایران و به‌ویژه ساکنان نواحی شیعه‌نشین با بسامد فراوانی از این نام بهره می‌برند. در استان چهارمحال و بختیاری مردم در سه گروه عمده عشایری، روستایی و شهری زندگی می‌کنند. همه این مردم مسلمان و پیرو ولایت علوی و شیعه جعفری هستند. بر همین باور با هنرمندی نام، کنیه و القاب مبارک پیامبر^(ص) و امامان پس از ایشان را در شکل‌های متنوع و ترکیبی مناسب برای فرزندان خود برمی‌گزینند. البته اهل تسنن در ایران نیز نام‌های ترکیبی «عثمان‌علی» و «عمرعلی» را برای فرزندان خود به کار می‌برند. نام‌های مبارکی چون محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، رضا، مهدی و ... از پرکاربردترین نام‌های ایرانی هستند و نام‌های شاهنامه، نام‌های ترکیبی و نو یا کمیاب نیز مورد توجه خانواده‌هاست (همو، ۱۳۸۹: مقدمه). در فرهنگ پهلوانی و عرفانی ما نیز نام مولا در عبارتهایی چون «یاعلی»، «یاعلی مدد» و «علی یارت»، «علی مولا» و ... استفاده می‌شود. در فنون و تفنن‌های ادبی، با بهره‌گیری از حروف ابجد و صنعت «ماده تاریخ» نیز از این نام استفاده می‌شود.

مردم در برابر عبارتهای «علی» و «یا علی»، به ترتیب عددهای ۱۱۰ و ۱۲۱ را قرار می‌دهند (ر.ک: دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

اسامی معصومان نیز در نام‌های افراد به صورت واژه‌های دوجزئی یا سه‌جزئی، با ویژگی‌های زیر به کار می‌رود:

۱-۳-۴. نام معصوم + جزء دوم

نام معصوم + نام پیامبر و ائمه (معصومان مذکر و امام‌زادگان)

برخی از این نام‌ها عربی و برخی دیگر عبری‌اند: علی محمد، علی حسن (ر.ک: جدول شماره ۲).

نام معصوم + نام‌های فارسی

علی بنده، علی گدا، علی بنخش (ر.ک: جدول شماره ۲).

نام معصوم + جزء ترکی

تأثیر حضور سلسله‌های ترکی مغولی بر کشور و حضور برخی از طوایف ترک‌زبان در چهارمحال و بختیاری، در این نام‌ها دیده می‌شود: علی قلی (قلی = چوپان)، علی آقا (آقا = سرور، خان)، علی بک (بک و بیک = بزرگ)، علی بیک، علی خان، علی قارداش (قارداش = برادر)، محمدخان.

نام معصوم + جزء عربی

علی مؤمن، علی نظر، علی منصور (ر.ک: جدول شماره ۲).

نام معصوم + جزء القاب پادشاهان غیرایرانی

علی قیصر، علی خاقان، محمدخاقان.

۲-۳-۴. جزء نخست + نام معصوم

نام پیامبر، معصومان (و فرزندان‌شان) + نام دیگر معصومان

محمدعلی، حسن علی، حسین علی (ر.ک: جدول شماره ۲).

نام روز، ماه و فصل + نام معصوم

اگرچه از نام‌های زمان در گاه‌شمار فارسی و عربی برای ساخت این نام‌ها بهره می‌بریم، لیکن در این بخش بیشتر از روزها و ماه‌های مذهبی استفاده می‌شود (ر.ک: جدول شماره ۲).

اسم، صفت، قید مشترک، رنگ، نام جاندار (حیوان شجاع)، عدد+ نام معصوم
روزعلی، سبزعلی، باباعلی، دوست‌علی (ر.ک: جدول شماره ۲).

جشن‌ها (آیین‌ها) + نام معصوم

دو جشن بزرگ مذهبی (عید قربان) و ایرانی- ملی (عید نوروز) در ترکیب با نام مولا علی^(ع) برای نام‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله قربان‌علی، نوروزعلی. موردی برای دیگر معصومان مشاهده نشد.

نام شاهنامه‌ای + نام معصوم

جایگاه کتاب فرهنگی و هویتی شاهنامه بین مردم ایران و به‌ویژه چهارمحال و بختیاری، سبب شده تا نام‌های تاریخی و ملی ایرانی با نام مقدس علی^(ع) ترکیب شوند، اسامی همچون نوذرعلی، طهماسب‌علی، گیوعلی، ویس‌علی، بهرام‌علی، قبادعلی، رستم‌علی، شاپورعلی. جالب اینکه با نام سایر معصومان اسمی یافت نشده است.

جزء عربی + نام معصوم

امیرعلی، میرعلی، نادعلی، حاجت‌علی (ر.ک: جدول شماره ۲).

مکان‌های مذهبی و نام‌های مرتبط + نام معصوم

نجف‌علی، حج‌علی (حاج‌علی^۱)، زیارت‌علی، حاجی‌محمد (اگر کودک در سفر حج یا عتبات به دنیا بیاید، وجه تسمیه او نیز این‌گونه است).

جزء ترکی + نام معصومان

آقاعلی، خان‌علی، بیک‌علی، ترک‌علی، قوچ‌علی، یغنعلی (یقنعلی)، دوغان‌علی، بک‌علی، بگ‌علی، آقامحمد، آقاحسین، بک‌محمد.

جدول شماره ۲

| | |
|--|---|
| <p>علی محمد، علی حسن، علی حسین، علی اکبر، علی جواد، علی عسگر، علی رضا، علی نقی، علی عباس، علی حیدر، علی صادق، علی صالح، علی باقر، علی اسحاق، علی جعفر، علی عیسی، علی موسی، علی قاسم، علی اصغر، محمدرسول، محمدامین، محمدرضا، محمدولی، محمدعلی، محمدرحیم، محمدخان، محمدجان، محمدجمال، محمدکمال، محمدرفعی، محمدشفیع، محمدصادق، محمدشاه، محمدزمان، محمدجواد، حسن علی، حسین علی، رضاعلی، کاظم علی، مهدی قلی (مهدی با تلفظ محلی میتی).</p> | <p>نام معصوم + نام پیامبر، امام و (یا جزء دیگر)</p> |
| <p>علی بنده، علی گدا، علی بخش، علی ویس، علی بابا، علی داد، علی میرزا، علی مهنا، علی ناز، علی باز، علی پناه، علی مردان، علی جان، علی کمک، علی یار، علی باور، علی بالا، علی بلند، علی برار (برادر)، علی آور، علی ابر، علی دوست، علی بزرگ، علی گرگ، علی شیر، علی وش (پسوند شباهت)، علی بس، علی پایا، علی شاه، علی پادشاه (پاد = شاه؛ پادشاه = شاه‌شاهان)، علی پاشا، علی تایش، علی چشمی، علی دانا (علی دونا)، علی راست، علی زر، علی زاد، علی سوار، علی گل، علی مهر، محمدرضا، محمدجان، حسن جان، حسین جان.</p> | <p>نام معصوم + نام‌های فارسی</p> |
| <p>علی مؤمن، علی نظر، علی منصور، علی کرم، علی مدد، علی مراد، علی نصرت، علی ضامن، علی فتح، علی برکت، علی حرمت، علی نجات، علی حاصل، علی ادهم، علی موجود، علی نصیر، علی الدین، علی الله، علی همت، علی عزت، علی حکمت، علی اعظم، علی اعظام، علی مسعود، علی اوسط، علی دولت، علی خلیج، علی خاطر، علی خاص، علی حق، علی حشمت، علی صالح، علی غافل، علی غلام (علی غلام‌شاه)، علی قرآج، علی قضا، علی مختار، علی جعفر (علی جافر)، علی رقم، علی محزون، محمدظاهر، محمدطاهر، محمدصالح، محمدرفوف.</p> | <p>نام معصوم + جزء عربی</p> |
| <p>محمدعلی، حسن علی، حسین علی، جوادعلی، باقرعلی، صادق علی، حیدرعلی، یوسف علی، احمدعلی، داوودعلی، حمزه علی، قاسم علی، رضاعلی، کاظم علی، صفدرعلی، عباس علی، عسگرعلی، اکبرعلی، ابراهیم علی، یونس علی، یعقوب علی، جعفرعلی، محمدجعفر، محمدکاظم، محمدجواد، محمدرضا، محمدعلی، محمدمهدی.</p> | <p>نام پیامبر + نام معصوم</p> |
| <p>جمعه علی، رمضان علی، شعبان علی، محرم علی، صفر علی، رجب علی،</p> | <p>نام روز، ماه و فصل + نام</p> |

| مهرعلی، آبان‌علی، بهارعلی، ربیع‌علی، بُرج‌علی (برج به معنی ماه). | معصوم |
|--|------------------------------|
| <p>روزعلی، سبزعلی، باباعلی، دوست‌علی، شاه‌علی، شه‌علی، مانده‌علی، مندعلی، قندعلی، گداعلی، چراغ‌علی، امیدعلی، نیازعلی، زادعلی، پنجه‌علی، کمان‌علی (کمون‌علی)، میرزاعلی، زلف‌علی، دشت‌علی، نست‌علی، بست‌علی، برف‌علی، روشن‌علی، کمندعلی، دورعلی، دُرعلی، گرگ‌علی، نمک‌علی، باران‌علی، گُنج‌علی (گنج=زنبور)، گنج‌علی، مَرَدعلی، جومه‌علی (جامه‌علی)، شمشیرعلی، زنده‌علی، شیرعلی، شیرین‌علی، نورعلی (نیرعلی)، مهرعلی، شرم‌علی، یارعلی، سُوارعلی، کوچک‌علی (کُچیرعلی)، بندعلی، بازعلی، نازعلی، برات‌علی، بنیادعلی، شیکرعلی، پیرعلی، راه‌علی، بخت‌علی، رازعلی، ریزعلی، درویش‌علی، بنده‌علی، پنج‌علی (پنج‌علی)، روعلی (رو: چهره)، روشن‌علی، روان‌علی، زردعلی، سمندعلی، سبزه‌علی، شام‌علی، شانس‌علی، نژادعلی، اقبال‌علی، ستون‌علی، شناس‌علی، شهوعلی، شیدعلی، عقاب‌علی، ظهراب‌علی، نوذرعلی، فراهم‌علی، فرزندعلی، فولادعلی، کاکاعلی، کاه‌علی، کرزعلی، کماج‌علی، گُرج‌علی، گلشن‌علی، گُل‌علی، گروهبان‌علی (گروبان‌علی)، کزعلی، مرزعلی، نام‌علی، نازعلی، مهراب‌علی، نژادعلی، نفت‌علی، نوبرعلی، یادعلی، یزدان‌علی، یازعلی، نشان‌علی، نوچ‌علی، نقره‌علی، همدم‌علی، ندرعلی، وراب‌علی، گردعلی، آزادعلی، ابجدعلی، ارج‌علی، بُرزعلی، پیکرعلی، حناعلی، الماس‌علی، بیدعلی، باغ‌علی، بوذرعلی، بهروزعلی، جوزعلی، خواست‌علی، روان‌علی، رندعلی، شیرمحمد، زارمحمد، گل‌محمد، مهرمحمد، سبزه‌محمد، دوست‌محمد، شاممحمد (شاه‌محمد)، میرزامحمد، نورمحمد، یارمحمد، شیرحسین، شاه‌حسین، شاه‌رضا.</p> | <p>جزء فارسی + نام معصوم</p> |
| <p>امیرعلی، میرعلی، ندادعلی، حاجت‌علی، گرم‌علی، لطف‌علی، غریب‌علی، قریب‌علی، فرض‌علی، فضل‌علی، مرادعلی، نظرعلی، شمس‌علی، کلبعلی، رحیم‌علی، نقدعلی، خیرعلی، قرن‌علی، رئیس‌علی، قنبرعلی، صفاعلی، قدم‌علی، ذولفعلی (ذوالفعلی)، دین‌علی، زین‌علی، عرب‌علی، ضرب‌علی، همت‌علی، حضرت‌علی، صیدعلی، صف‌علی، سیف‌علی، صیف‌علی، عوض‌علی، عیوض‌علی، مونس‌علی، غیرت‌علی، غیرعلی، رحم‌علی، قدیرعلی، غدیرعلی، معصوم‌علی، نجم‌علی، فغان‌علی، عروج‌علی، محب‌علی، محبوب‌علی، مجیرعلی،</p> | <p>جزء عربی + نام معصوم</p> |

| | |
|---|--|
| <p>غیاث‌علی، شرکت‌علی، سهل‌علی، ذات‌علی، رخصت‌علی، زید‌علی، سهم‌علی، شرف‌علی، شعاع‌علی، ساقی‌علی، عشق‌علی، عزیز‌علی، منصور‌علی، شکر‌علی، قرض‌علی، قرض‌علی، لیاقت‌علی، حکم‌علی، عین‌علی، فتح‌علی، نصیر‌علی، امام‌علی، ایمان‌علی، نجات‌علی، غلام‌علی، عبدالعلی، رحیم‌علی، کریم‌علی، رسول‌علی، رسم‌علی، سبحان‌علی، صحن‌علی، جمال‌علی، حافظ‌علی، حرمت‌علی، حکمت‌علی، جبار‌علی، ثابت‌علی، خاتم‌علی، خالق‌علی، خبر‌علی، ختم‌علی، خلعت‌علی، ذکر‌علی، ذات‌علی، ذوق‌علی، راحت‌علی، شیخ‌علی، سلطان‌علی، فروغ‌علی، افروغ‌علی، فرد‌علی، سیار‌علی، سلب‌علی، برات‌علی، فرج‌علی، مشتاق‌علی، مباح‌علی، خالق‌علی، سراج‌علی، سواد‌علی، مختار‌علی، مختوم‌علی، مدح‌علی، نوح‌علی، نقش‌علی، یمن‌علی، نشاط‌علی، نظام‌علی، نعمت‌علی، نوبت‌علی، نقد‌علی، مرحمت‌علی، معرض‌علی، معروض‌علی، مقصود‌علی، معاف‌علی، ناصر‌علی، نثار‌علی، مرتضی‌علی، مروت‌علی، مطلب‌علی، مظهر‌علی، وقار‌علی، معراج‌علی، نادر‌علی، وهاب‌علی، وفاع‌علی، شریف‌علی، ستار‌علی، سر‌علی، رفعت‌علی، سالم‌علی، عجم‌علی، عرب‌علی، فداع‌علی، قرب‌علی، قمر‌علی، قیاس‌علی، قییم‌علی، محراب‌علی، فوق‌علی، فیض‌علی، مراد‌علی.</p> | |
|---|--|

۴-۱-۴. نام‌های قرآنی

برخی نام‌های مورد استفاده مردم استان برگرفته از نام‌های قرآنی است که به صورت نام سوره‌های قرآن و یا نام‌هایی است که در آیات قرآنی به آن‌ها اشاره شده است. نمونه‌های زیر از این دسته محسوب می‌شوند:

۴-۱-۴-۱. نام‌های سُورِ قرآنی

حمدالله (برگرفته از سوره الحمد/ فاتحه‌الکتاب/ فاتحه است)، عمران (از سوره شریف آل عمران)، نساء (برای زنان از سوره شریف النساء)، مائده، یونس، هود، یوسف، ابراهیم، مریم، طه (طاها از نام‌های جدید است)، لقمان، یس (یاسین)، مؤمن (به

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم... _____ عباس قنبری عدیوی

صورت علی مؤمن)، شورا، محمد، فتح (فتح‌الله / فتح‌علی)، قمر، رحمن (رحمان)، جمعه، نوح، شمس (به صورت شمس، شمسی، شمس‌الله، شمس‌الدین، شمس‌علی)، کوثر، نصر (به صورت نصرالله، نصرالدین).

۲-۴-۱-۴. نام‌های به‌کار رفته در قرآن

آدم، ادریس، ابراهیم، اسحاق، اسماعیل، الیاس، ایوب، داوود، زکریا، سلیمان، شعیب، صالح، عیسی، موسی، یعقوب، هارون، یحیی، خضر، مالک، حوا، آسیه، هاجر، مدینه، فضل و طویبا (نامی از بهشت)، ضحّا (ضحی)، یسرا، کوب، شهاب (نام‌های نجومی در قرآن)، نجم (به صورت نجیم و نجمه) (ر.ک: حاجی‌وند، ۱۳۷۸).

۳-۴-۱-۴. نام‌ها و القاب حضرت رسول اکرم (ص) در قرآن یا متون اسلامی

طاها، احمد (به صورت احمد، احمدعلی، احمدرضا)، رسول (به صورت رسول، محمدرَسُول)، بشیر، ولی (به صورت ولی‌الله، ولی)، عبدالله، امین (به صورت امین، امین‌الله، محمدامین)، برهان.

۲-۴. نام‌های نو

البته آموزه‌های دینی و تأثیر زبان عربی بر فرهنگ ایرانی، موجب استفاده از نام‌های عربی بسیاری در مناطق مختلف کشور، از جمله منطقه بختیاری شده است. این نام‌ها پس از انقلاب اسلامی با گسترش فرهنگ انقلاب، دفاع مقدس و تعالیم تبلیغی و دینی آن بیشتر شد؛ نام‌هایی چون: حمزه، یاسر، عمار، سمیه، زید، سبحان.

هم‌چنین در پیوند آموزه‌های دینی و تاریخی ایرانیان، برخی نام‌های نو را در نوشته‌ها می‌بینیم، از جمله: مزدک‌علی (نام فرزند مهدی اخوان ثالث، ولی در استان به کار نرفته است)، احسان‌علی، کیوان‌علی، عمادعلی، امیرعلی. برای دختران از نام دوجزئی نازنین‌زهرا، فاطمه‌زهرا و فاطمه‌الزهرا نیز استفاده شده است. در کشورهای فارسی‌زبان افغانستان و تاجیکستان و برخی کشورهای آسیای میانه، نام‌های ترکیبی با «علی» را با

گرایش اعتقادی خود می‌سازند؛ نام‌های عمرعلی، عثمان‌علی از این قرارند. نام‌هایی چون دولت‌علی نیز رواج دارند.

۳-۴. کاربرد نام مبارک حضرت فاطمه (س) در نام بانوان

نام‌های مبارک حضرت زهرا (س) بیشتر به صورت تک‌جزئی استفاده می‌شود؛ ولی گاه به صورت دوجزئی فاطمه‌زهرا، زهرا بگم، زهرا بگم هم به کار می‌رود: زهرا، فاطمه، بتول، راضیه، مرضیه.

البته نام‌های بانوان در استان از نام مبارک فرزندان و نوادگان مؤنث یا همسران اهل بیت (ع) نیز کاربرد فراوان و تک‌جزئی دارد: زینب، سکینه، رقیه، کلثوم، نرجس، نجمه.

۴-۴. جزء پیش‌نام «میر»

در خاندان سادات، آنکه از مادر سیده متولد شود، پیش‌نام «میر» می‌پذیرد. برخی نام‌ها با همین جزء پیش‌نام ترکیب دو یا سه‌جزئی می‌سازند. در این ترکیب‌ها با تغییر جای اسم‌های دوجزئی گستره بیشتری برای ساخت نام جدید وجود دارد:
دوجزئی: میرحسین، میرعلی، میرمحمد.
سه‌جزئی: میر گداغلی، میر علی‌گدا، میر حسین‌علی، میر علی‌حسین، میر امان‌الله، میر علی‌پناه.

۴-۵. القاب و کُنیه معصومان

در گذشته به پیروی از زبان و فرهنگ عربی-اسلامی هر فرد سه نام برای مخاطب قرارگرفتن داشت:

الف) نام کوچک (نام هویتی یا به قول امروزی‌ها نام شناسنامه‌ای)؛
ب) لقب (آنچه سبب شهرت کسی شود، مثلاً سجاد یا زین‌العابدین، لقب امام چهارم به سبب عبادت بسیاری که داشتند)؛
پ) کُنیه (برای مردان ابو، ابا و ابی + نام و برای زنان ام + نام).

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم... _____ عباس قنبری عدیوی

لقب‌هایی که به صورت تک‌بخشی یا دوبخشی از نام‌های معصومان و یا معصوم‌زادگان اقتباس شده است نیز از فراوانی کاربرد آن‌ها حکایت می‌کند، مثل نبی، هادی، جواد، سجاد، باقر، صادق، مهدی، کاظم، مرتضی، مجتبی، مصطفی، محسن، حیدر، عباس، عسکر.

برخی از این نام‌ها دوجزئی هم به کار می‌روند: محمدنبی، محمدهادی، محمدباقر، محمدمهدی.

کنیه پیامبر اکرم (ص)، امام‌علی (ع) و برخی از شخصیت‌های دینی صدر اسلام به صورت نام خاص مردان و زنان استفاده می‌شود: ابوالقاسم، ابوتراب، ابوطالب، ابوالفضل، ام‌کلثوم، ام‌البنین.

۴-۶. نام خانوادگی (لقب/شهرت)

نام‌های مذهبی در واژه‌هایی که برای نام خانوادگی استفاده می‌شوند، نیز کاربرد فراوانی دارند. این نام‌ها بیشتر به صورت اشتقاقی، صرفی و یا ترکیبی و چندجزئی نمایان می‌شوند. برخی از این نام‌های خانوادگی در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۳

| | |
|--|--------------------|
| الله‌باری، الله‌دادی، ایزدیار، ایزدی، یزدانی، یزدان‌پرست، خداخواه، خدارحمی، محمدی، محمدیان، محمدزاده، محمدپور، محمدتبار، علوی، علوی‌تبار، علوی‌منش، علی‌بابایی، علی‌پور، علی‌زاده، علی‌اکبری، علی‌پناهی، علی‌دادی، علی‌بیگی، علی‌دوست، علی‌دوستی، علی‌رضایی، علی‌مردانی، علی‌میرزایی، علی‌خانی، علی‌جانی، علی‌محمدی، علی‌سلطانی، علی‌اکبری، علی‌اصغری، علی‌نژاد، علی‌نژادی، علی‌نجاتی، علی‌نقی، علی‌نقی‌پور، علی‌یار، علی‌یاری (علیاری)، علی‌نازی، علی‌نیا، علی‌مرادی، پیرعلی، پورعلی، چمعلی‌شاهی، علی‌شاهی، زینعلی، ذرعلی، سبیرعلی‌وند، شیرعلی‌زاده، صحنعلی، صحنعلی‌زاده، عباسعلی‌پور، لطفعلیان، نادعلی، نادعلی‌پور، شیخ‌علی، خواجه‌علی (خواجعلی)، علی‌خان‌پور، علی‌جان‌پور، علی‌میرزاده، علی‌اللهی، علی‌رجبی، خزعلی، صیدعلی، سیدعلی، محمدعلی‌پورعرب، محمدقاسمی، محمدصالح | نام خانوادگی مذهبی |
|--|--------------------|

۴-۷. کوتاه‌گویی نام‌ها

در گویش محلی اقوام ساکن در استان (به‌ویژه بختیاری) و گاهی در نوشتار (به‌ویژه ادبیات داستانی) نام‌ها بر اساس ویژگی‌های حذف، ابدال، تخفیف و ... کوتاه می‌شوند. این خصوصیت سبب می‌شود که واجی تبدیل، تغییر یا حذف شود.

۱. واج «ع» در کلمه‌هایی که به «علی» ختم می‌شوند، حذف شود: کلبعلی (کلبلی)، گنج‌علی (گنجلی)، لطف‌علی (لفطلی)، سلب‌علی (سلبلی، شاید سروعلی)، محمدعلی (مه‌لدلی).

۲. در کوتاه‌گویی، گاه مصوت بلند «ی» حذف می‌شود: علی‌عسگر (علسگر/ آلسگر)، علی‌پناه (علپناه، علپنا).

۳. گاهی این کوتاه‌نویسی و کوتاه‌گویی، واج‌ها و صامت‌های بیشتری را دربر می‌گیرد: عبدالعلی (عبدل، عبدی)، معصوم‌علی (مصملی)، فتح‌علی (فتل)، جمعه‌علی (جملی / جمل)، خان‌علی (خانل)، جان‌علی (جانل)، برج‌علی (برجل)، شیخ‌علی (شیخل).

۴. در نام «محمد»: محمدولی (محولی)، محمدحسین (محمسین / ممسین)، محمدخان (محمخون / ممه‌خون)، میرزاحمد (میزممد).

۵. گاه تلفظ آن با حذف، ابدال چندین واج، هجا و مصوت تغییر می‌کند: محمدعلی (محم‌لدلی)، علیرضا (علر‌ضا / علی‌رضا)، اسفندیار (اسپندیار)، سبزواری (سوزوار)، قباد (قوات)، پرویز (پوریز).

۶. گاه نیز کوتاه‌گویی با تغییرات بسیار و تفاوت ماهوی همراه است: محمدنصیر (مسی)، لطف‌علی (لفته)، فاطمه (فاطول / فاطی)، زین‌الدین یا زین‌علی (زینل)، افراسیاب (افرا).

هنگام تلفظ در برخی نام‌ها ابدال انجام می‌شود. گاه این ابدال براساس ساختار زبانی تغییر مصوت‌ها و صامت‌هاست، مثل جعفر (جافر)، زینب (زینو). گاه نیز براساس

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم... _____ عباس قنبری عدیوی

تحیب یا تصغیر نام عوض می‌شود، چون علی محمد (علیم)، مجتبی (مُجبی)، زینب (زَنول)، مریم (مَمَر).

۷. برای نوازش و یا ترغیب و تحیب گاه جزئی به نام فرد افزوده می‌شود: محمد (ممقلی مخفف محمدقلی)، حسن (حسنک)، عواسلی (مخفف عباس‌علی). این تغییر با افزودن شاخص‌هایی چون مهندس، خان، کدخدا و ... متفاوت است (مثلاً مهندس حسن / حسن خان).

۸-۴. تفکیک نام‌ها براساس مذهب

اگر بخواهیم نام‌های گردآوری‌شده این نوشتار را برپایه مذهب تشیع تقسیم‌بندی کنیم، در گروه‌های زیر قابل تقسیم و تفکیک‌اند:

الف) نام‌های ملی (ایرانی و بومی): این نام‌ها برگرفته از **شاهنامه**، داستان‌ها و قصه‌های عامیانه، قهرمانان محلی و شخصیت‌های ایرانی هستند، مثل ایرج، جهانگیر، جهان‌شاه، بهمن، داریوش، سیروس، کیامرث (کیامرث / کیومرث)، فلانمرز (فرانمرز)، برزو، سهراب، بهزاد، بابک، بیژن، جمشید، اردشیر، گودرز، خسرو، فیروز، فرزاد، سیامک، فریدون، منوچهر، هرمز، پشوتن، دلاور، خدایار، الماس، دیدار، رهدار، فرزانه، تهمینه، فرنگیس، سودابه، منیژه، سرور، فلکاناز، کتایون، هما، مهناز، شهناز، ایران، ثریا، پروانه، پروین، مینا، گلنار، گلناز، گل‌طلا، ماه‌پسند، ماه‌طلا، ماه‌گل، فریده، زلیخا.

ب) نام‌های مذهبی (اسلامی): این نام‌ها در گروه‌های کلی زیر قرار دارند و در متن شاهد آن ذکر شده است، از جمله نام پیامبران (بیش‌تر عبری‌اند)، نام ائمه و معصومان، القاب و کنیه آنان، نام‌های قرآنی.

پ) نام‌های تلفیقی (ایرانی، اسلامی): نام‌هایی که برگرفته از فرهنگ اسلامی و نام‌های قرآنی است و جزء فارسی (ایرانی یا بومی) به آن افزوده می‌شود: مردعلی، شیرمحمد، شاه‌حسین، امیدعلی، علی‌ناز، یارمحمد.

۹-۴. ساختار زبانی و دستوری نام‌ها

نام‌های استفاده شده در فرهنگ عامیانه چهارمحال و بختیاری از دیدگاه زبانی و دستوری در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:

نام‌های ساده (بسیط): قلی، مرید، فردوس، داراب، مریم، فرح، طوبا، طوطی، کبوتر.

نام‌های مرکب: احمدعلی، محمدیار، فرح‌ناز، پری‌جان، بی‌بی‌گل.

نام‌های مشتق: اگر تعریف نام مشتق را بر اساس (نام + وند/وند + نام) بپذیریم، بدون در نظر گرفتن دستور تاریخی و تنها بر بنیاد ریشه‌شناسی واژگان، نام‌های زیر در این گروه قرار می‌گیرند:

امیدوار، مهرباب، برزو، عیدی، سیمین، نازلو، نازکه، مُلکی، ربابه.

نام‌های مشتق، مرکب: نامی که همزمان مرکب و مشتق باشد، چون ملکی‌جان، عیدی‌محمد، خداوردی.

۱۰-۴. نگاهی به آمار و اسناد رسمی نام در استان

بنا به آمار و ارقام رسمی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اداره کل ثبت احوال استان چهارمحال و بختیاری، ۲۰ نام نخست پسران و دختران به تفکیک جنسیت و بسامد آن به شرح زیر است:

جدول شماره ۴

| سال ۱۳۹۱ | | سال ۱۳۹۰ | |
|-------------------------------------|--------------------------------|---|---------------------------------------|
| پسران | دختران | پسران | دختران |
| فاطمه (۷۴۸)، زهرا (۲۳۹)، زینب (۶۰۰) | امیرعلی (۴۶۲)، ابوالفضل (۴۴۸) | فاطمه (۷۶۹)، زهرا (۴۷۵)، ستایش (۶۲۳) | ابوالفضل (۴۸۸)، امیرعلی (۴۳۰) |
| مریم (۲۰۵)، نازنین‌زهرا (۱۹۹) | محمدطاها (۴۱۳)، امیرحسین (۳۹۱) | زهرا (۲۴۸)، مریم (۲۳۰)، آیدا (۱۴۴)، نازنین‌زهرا (۱۴۴) | امیرحسین (۳۷۹)، علی (۳۳۷)، محمد (۳۰۴) |
| هستی (۱۸۶)، ستایش (۱۸۶) | حسین (۳۲۲)، امیرمحمد (۳۱۲) | معصومه (۱۴۱) | امیرمحمد (۳۰۲)، محمدطاها (۳۰۲) |

| | | | |
|---|---|---|---|
| حسین (۳۰۲)، رضا (۱۳۷)، مبینا (۱۳۱)، علی (۲۹۲)، محمد (۱۷۶)، ریحانه (۲۸۹)، مهدی (۲۳۲)، نرگس (۱۳۱)، مهسا (۱۲۱)، نازنین (۱۱۷)، امیرعباس (۲۱۸)، محمدرضا (۲۱۷)، یسنا (۱۱۱)، ریحانه (۱۱۰)، فاطیما (۱۰۵)، محمدرضا (۱۸۶)، امیرعباس (۱۷۱)، محدثه (۱۰۵)، یلدا (۹۹)، هانیه (۹۸)، غزل (۹۴) (خبرنامه آماری)، محمدجواد (۱۲۳)، علی اصغر (۱۰۵)، پارسا (۹۵)، عباس (۹۵). | علی (۲۹۲)، محمد (۱۷۶)، نرگس (۱۳۱)، مهسا (۱۲۱)، نازنین (۱۱۷)، امیرعباس (۲۱۸)، محمدرضا (۲۱۷)، یسنا (۱۱۱)، ریحانه (۱۱۰)، فاطیما (۱۰۵)، محمدرضا (۱۸۶)، امیرعباس (۱۷۱)، محدثه (۱۰۵)، یلدا (۹۹)، هانیه (۹۸)، غزل (۹۴) (خبرنامه آماری)، محمدجواد (۱۲۳)، علی اصغر (۱۰۵)، پارسا (۹۵)، عباس (۹۵). | علی (۲۹۲)، محمد (۱۷۶)، نرگس (۱۳۱)، مهسا (۱۲۱)، نازنین (۱۱۷)، امیرعباس (۲۱۸)، محمدرضا (۲۱۷)، یسنا (۱۱۱)، ریحانه (۱۱۰)، فاطیما (۱۰۵)، محمدرضا (۱۸۶)، امیرعباس (۱۷۱)، محدثه (۱۰۵)، یلدا (۹۹)، هانیه (۹۸)، غزل (۹۴) (خبرنامه آماری)، محمدجواد (۱۲۳)، علی اصغر (۱۰۵)، پارسا (۹۵)، عباس (۹۵). | علی (۲۹۲)، محمد (۱۷۶)، نرگس (۱۳۱)، مهسا (۱۲۱)، نازنین (۱۱۷)، امیرعباس (۲۱۸)، محمدرضا (۲۱۷)، یسنا (۱۱۱)، ریحانه (۱۱۰)، فاطیما (۱۰۵)، محمدرضا (۱۸۶)، امیرعباس (۱۷۱)، محدثه (۱۰۵)، یلدا (۹۹)، هانیه (۹۸)، غزل (۹۴) (خبرنامه آماری)، محمدجواد (۱۲۳)، علی اصغر (۱۰۵)، پارسا (۹۵)، عباس (۹۵). |
|---|---|---|---|

بررسی فراوانی ۲۰ نام نخست انتخاب شده مردم نشان می‌دهد در بخش پسران سال ۱۳۹۰ به‌جز نام «پارسا» و در بخش دختران به‌جز نام آیدا، مهسا، نازنین، ستایش، یلدا و غزل، تمام نام‌ها مذهبی (یسنا بخش دعاها/ اوستا در دین زردشت) هستند. در سال ۱۳۹۱ در بخش پسران به‌جز نام «ماهان» و در بخش دختران به‌جز نام هستی، ستایش، الناز، مهسا، سارینا، شیدا و آیدا، بقیه نام‌ها مذهبی‌اند. برای دختران هم‌چنان نام فاطمه و برای پسران امیرعلی و ابوالفضل مشهورترین و پرتیرترین نام‌ها هستند.

۵. نتیجه‌گیری

نام نیکو برای خانواده‌ها، مهم است و خود فرد از این هویت فرهنگی رضایت دارد. مردم در پی گزینش نام‌های پرمعنا و با‌بهرت برای فرزندانشان هستند. نام‌های دینی بیش‌ترین کارکرد را در نام‌سازی بختیاری‌ها دارد. جزء «الله»، «محمد» و «علی» در فرهنگ و ادبیات رسمی، عامه و آموزه‌های دینی مردم ایران جایگاه بلندی دارد. این نام‌ها و ترکیب‌های ساخته‌شده با آن در چهارمحال و بختیاری جایگاه مهمی دارد. از

آنجا که نام، هویت فرهنگی مردم ماست، استفاده از اجزاء پرکاربرد مذهبی (شیعه) و باسامد سبب اعتلای فرهنگی و ادبی این حوزه می‌شود. هم‌چنین به سبب سبک زندگی و تأثیر طبیعت بر بینش اجتماعی و فرهنگی مردم بختیاری، تنوع نام بین عشایر و روستاها با استفاده از عناصر طبیعی بیشتر از جمعیت شهری است. مردم برای استفاده از اجزاء ترکیبی با نام‌های مذهبی، از واژه‌های فارسی، عربی، ترکی (مغولی) و عبری بهره می‌برند. در گذشته نام‌گذاری همراه با آداب و رسوم خاصی انجام می‌شده است و نقش پدربزرگ‌ها و ملاها بیش‌تر از دیگران بود؛ ولی امروزه پدر و مادرها انتخاب‌کننده اسم کودکان هستند.

نام‌های قرآنی و اسامی پیامبران و معصومان بین مردم رایج و پرطرفدار است. عناصر طبیعی، محیطی و بومی در اشتقاق نام و ساخت‌واژه نامی کارکرد فراوانی دارند. بنابر آمار و ارقام رسمی نام‌های ساخته‌شده با «علی» بیش‌ترین بسامد را در میان نام‌ها دارد. فراوانی نام در زنان، بیش‌تر با «فاطمه» و در مردان با «علی» و «محمد» است. می‌توان از روش‌های درست نام‌گذاری پیشینیان برای اصلاح شیوه نام‌گذاری معاصر بهره‌مند شد.

پی‌نوشت

۱. استفاده از لفظ حاج یا حاجی با کاربرد شاخصی آن برای افرادی که به مکه مشرف شده‌اند، متفاوت است.

منابع

(الف) منابع کتبی:

- انقطاع، ناصر (۱۳۹۱). *در ژرفای واژه‌ها*. ج ۱. تهران: فردوس.
- پنج استاد (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
- ثروت، منصور (۱۳۶۴). *فرهنگ کنایات*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.

تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم... عباس قنبری عدیوی

- حاجی‌وند، علی (۱۳۷۸). *دایرةالمعارف قرآن‌شناسی*. چ ۱. تبریز: دانیال.
- خانلری، پرویز (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. چ ۱۳. تهران: توس.
- *خبرنامه آماری (ولادت، فوت، ازدواج و طلاق) به همراه جداول، نمودارها و تحلیل آماری (۱۳۹۰)*. ش ۳. چهارم‌حال و بختیاری: سازمان ثبت احوال. معاونت آمار و انفورماتیک.
- *خبرنامه آماری (۱۳۹۱)*. چهارم‌حال و بختیاری: اداره کل ثبت احوال. معاونت فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. چ ۹. تبریز: کتاب‌فروشی تهران.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۰). *تفنن ادبی*. تهران: طهوری.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی*. چ ۱. تهران: معین.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی*. چ ۲۲. تهران: امیرکبیر.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۱). *امثال و حکم بختیاری*. چ ۱. شهرکرد: ایل.
- ----- (۱۳۸۲). *حدیث عشق (تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی)*. چ ۱. شهرکرد: مرید.
- کلانتر، ناصر (۱۳۸۹). *نام‌واژه*. به کوشش ابراهیم کلانتر. چ ۱. شهرکرد: نیوشه.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.

ب) منابع شفاهی

- لیست دانش‌آموختگان امتحانات اداره کل آموزش و پرورش استان.
- دفترچه‌های تلفن شهری (شرکت مخابرات).
- لیست دانشجویان و دانش‌آموزان بومی نگارنده در دو دهه اخیر.
- دفتر و اسناد ترحیم بنیاد ایران‌شناسی.
- همیاران فرهنگی راشین کریمی، عبدالکریم نیازی جوققانی و بابک زمانی‌پور، باقر قنبری عدیوی.